



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۹/۲۸

اسحاق نگارگر

افغانستان کشور است که عمده ترین صادرات آن پشم است!

خدا غریق رحمت کند استاد نکهت سعیدی را که وقتی شاگردان از بی پروایی های مقامات برایش شکایت میکردند تبسمی تلخ بر لب می آورد و میگفت: «افغانستان کشور است که عمده ترین صادرات آن «پشم» است. با عذرخواهی از همه بانوانی که این یادداشت مرا میخوانند باید به عرض برسانم که استاد با آن تبسم تلخ بدین حقیقت تلخ اشاره داشت که وقتی برای برخی ها از جدی ترین موضوعات زندگی صحبت کنی با بی پروایی شانه بالا می اندازند و میگویند «به پشمش» و تو مثل اینکه در سرمای زمستان یک سطل آب سرد بر سر ریخته باشی درمی مانی که چه بگویی و یا چه کار باید بکنی!

شما همین دونالد ترامپ سر تنبه و کله شیخ را در نظر بگیرید که در برابر همه جهان ایستاده است و سرنی را بی سر پف میکند ولی همین مرد که ووه ناگ نامی را برای مقام قاضی القضاة امریکا برگزیده است و اکنون که یک زن به طور جدی و دوتای دیگر به طور ضمنی مدعی گردیده اند که این جناب برگزیده شده برای این مقام چشم به ریودن عفت و طهارت آنان دوخته بود دونالد ترامپ سر تنبه نیز نمیگوید «به پشمش» بلکه میگوید:

I might change my mind یعنی من تسلیم ذهنیت عامه میشوم و از انتصاب این مرد صرف نظر میکنم

و همین فرهنگ دموکراسی است که نخست در یک جامعه باید ریشه بگیرد و سیاستمداران پاس ذهنیت عامه را بنمایند. اما در سرزمین ما همان شیوه تلقی «به چه می که کنده شد» هنوز ادامه دارد و دموکراسی وارداتی ما به رهبران آزادی عمل داده است و نمیگویم که به مردم آزادی نداده است زیرا آزادی فریاد زدن وجود دارد ولی با همان تلقی دومی های قدیم کابل مقابله میشود که جامعه های مردم رابر سنگ های دریای میکوفتند و میگفتند به چه می که کنده شد. یا همان طور که مرحوم استاد نکهت سعیدی می فرمود افغانستان هنوز هم همان مملکت است که صادرات عمده آن «پشم» است. در شفاخانه ها و مکاتب بم و نارنجک پرتاب میکنند و اگر ذهنیت عامه بپرسد که چرا پاشخ همان شانه بالا افگندن است و در حقیقت اگر با لفظ نه با اشاره میگویند «به پشمش» پول های کمک شده از جانب جامعه جهانی به نام پولیس های خیالی و مکتبهای خیالی و معلمان خیالی به سوی جیب های اختلاس گران راه باز میکند ولی اگر از مسوولان بپرسی باز شانه بالا می اندازند و میگویند:

«بدبختانه شرایط جنگی است!» وقتی گند اختلاس یک امر در یک وظیفه بالا می آید و بویش را مردم استشمام میکنند مثل اینکه به اصطلاح فلاش بازان قطعه سکه را چال رفته باشند سرپت تیر میکنند و او را به کاری

دیگری گمارند و از همه بدتر این که مردی متهم میشود که در انتخابات مبتنی بر تقلب به نفع همان کس تقلب کرده است که در مصالحه دومانزاع قدرت به مقام ریاست جمهوری رسیده است ولی همان کس مشاور گماشت میشود. در این فرهنگ مکافات های غیرقانونی فراوان وجود دارد ولی دوسیه های قتل؛ اختلاس و دزدی در دفتر های

خارنوالی خاک میخورد. همه کسانی که متهم به رشوه خواری؛ فساد و پامال کردن حقوق بشر گردیده اند بدون اینکه خم به ابرو بیآورند باز خود را کاندید و حتی تهدید میکنند که اگر نام شان در لست انتخاب شدگان شامل نشود خود را آتش میزنند. ضرورت به آتش زدن خود تان نیست فقط بروید از مجاری قانون لکه های اتهام را از دامان

تان پاک کنید. بیچاره کوه ناگ باید در محضر سنا برود و آلوده دامانی دوران تحصیل خود را پاک کند ولی آلوده دامانان دیروز مثل اینکه هیچ کاری نکرده باشند بر مردم فیس و افاده می فروشند. راستی که افغانستان کشور است که صادرات عمده آن «پشم» است.

فاعتبروا یا اولی الابصار.

نگارگر ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۸ برمنگهم